



ظرفیت‌های تمدنی آموزه امامت

۱۰

سال سوم
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۳۱-۱۱

شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱



احمد بیگدلی^۱ | رسول رضوی^۲ | مهدی نصرتیان^۳

چکیده

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی از مهم‌ترین ابداعات فلسفی ایشان به شمار رفته و نقش مهمی در سازمان نظام فکری ایشان و در مبانی فلسفی تمدن اسلامی ایفا می‌کند. این نظریه نکات مهمی در فهم فلسفی نظام‌های اعتباری داشته و دلالت‌های چهارگانه هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه در مورد مفاهیم و نظامات اعتباری به صورت عام دارد. با این پیش فرض که نظام حقوقی به عنوان یکی از ارکان تمدنی هر جامعه‌ای، یکی از مصادیق نظامات اعتباری است، دلالت‌های چهارگانه پیش‌گفته در مورد نظام حقوقی نیز به صورت خاص قابل طرح بوده و نتایج مهمی در سامان دادن نظریه حقوقی خواهد داشت. با توجه به آن‌چه مطرح شد، سؤال پژوهش پیش‌رو این است که نظریه اعتباریات، چه دلالت‌های فلسفی اعم از دلالت‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی را ناظر به نظریه حقوقی تمدن اسلامی داراست؟ روش انجام این پژوهش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر آثار علامه طباطبایی است. ناخودبسنده‌گی گزاره‌های حقوقی، دخیل بودن عوامل سوبژکتیو در وضع، فهم و تفسیر قانون، عدم انحصار منابع شناخت قانون به منابع حسی، عدم تساوی حقوق با قانون و عدم تقلیل گرای عدالت به نظم اجتماعی، عدم تناسب رویکرد رفتارگرایانه در علم حقوق از اهم نتایجی است که بر پژوهش حاضر مترتب است.

کلیدواژه‌ها: نظریه اعتباریات، علامه طباطبایی، تمدن اسلامی، نظریه حقوقی، کنش‌گرایی، رفتارگرایی

ahmad1450@chmail.ir

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

۲. استاد، عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

۳. استاد، عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

استناد: بیگدلی، احمد؛ رضوی، رسول؛ نصرتیان، مهدی. ظرفیت‌های تمدنی آموزه امامت، ۱۰(۳)، ۱۱-۳۱.

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

تجلی آموزه‌های دینی، تحقق ارزش‌ها، باورها و احکام الهی در لایه‌های مختلف اجتماع جزو اصلی‌ترین اهداف مکاتب الهی در طول تاریخ بوده است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۸۶) ساخت تمدنی متناسب با آموزه‌های دینی برای حصول این اهداف، ضروری است. «رهبری» از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های تمدنی و حیاتی‌ترین عنصر ساخت یک تمدن، است. (درخشه، ۱۳۹۰: ۲۰۵) آموزه امامت در تمدن اسلامی، موجب شاکله‌بندی درست و رشد و شکوفایی تمدنی می‌شود. (پورسیدآقایی و امامی، ج ۲، ۱۳۹۵: ۴۸۴) به گونه‌ای که نوع تمدن، برخاسته از نوع رهبری و ویژگی‌های رهبر یک تمدن است. پرداختن به ابعاد ظرفیتی آموزه امامت به عنوان شاخصه حکمرانی و تمدنی در جهان‌بینی اسلامی از ضروریات حوزه تحقیقات تمدن اسلامی است. با پذیرش تأثیر باور بر رفتار در زندگی فرد فرد جامعه، می‌توان به تأثیر کلان آموزه‌های دینی در تحقق تمدن اسلامی پرداخت. در این تحقیق، از میان آموزه‌های امامیه، آموزه امامت و تأثیر تمدنی آن مد نظر است.

سؤال اصلی این است که آموزه امامت دارای چه ویژگی‌ها و چه ظرفیت‌های تمدنی است؟

پیشینه پژوهش

مبانی نظری و روش

در گام دوم انقلاب در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، بایست نگاه نویی به آموزه‌های اسلامی به عنوان عقبه تئوریک تمدنی داشته باشیم. نگاهی که در این مقاله موجب پرداختن به آموزه امامت از منظر تمدنی شده است و دریچه‌ای به سمت کاربردی شدن مباحث نظری کلام امامیه می‌باشد. درک صحیح و همه‌جانبه از مفهوم «امامت» در کلام امامیه، بنیان ساز تمدن نوین اسلامی است. این تحقیق، با استفاده از منابع کلامی و آیات و روایات و با تکیه بر باورهای حقه امامیه (به ویژه آموزه امامت) به روش توصیفی-تحلیلی به ظرفیت‌های تمدنی امامت می‌پردازد.

۱. تمدن و تمدن اسلامی

تمدن از ریشه «مدن» در کتب لغت، با اندک اختلافی، معنای لغوی و اصطلاحی مشترکی دارد. در کتاب‌های لغت واژه تمدن به شهرنشینی و اجتماع انسانی معنا شده است. (ابن منظور، ج ۱۳، ۱۴۱۴: ۵۲۸؛ ابن فارس، ۱۳۸۷: ۴۰) «مدینه» در ۱۱ سوره و ۱۶ آیه از قرآن کریم به معنای شهر تکرار شده (راغب، ج ۱، ۱۳۸۸: ۷۶۳) و معنایی مخالف بادیه‌نشینی و جهالت و فراتر از اجتماع انسانی دارد. (قرشی، ج ۵، ۱۴۱۲: ۲۴۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۲۵) از نظر هنری لوکاس: «تمدن پدیده‌ای به هم تنیده است که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در برمی‌گیرد.» (لوکاس، ج ۱، ۱۳۶۸: ۱۶) در اصطلاح تمدن اسلامی عبارت است از «تمدنی ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد. (فوزی و همکار، ۱۳۹۱: ۱۹)

۲. امامت و رهبری، رکن مهم تمدن

در دیدگاه اسلامی رهبری مهم‌ترین رکن جامعه و حکومت بوده و تأثیر عمده‌ای در شکوفایی جامعه دارد. (جوادی آملی ۱۳۸۹: ۳۷۲) تاریخ مهم‌ترین عامل رشد یا عقب‌ماندگی جوامع را رهبران شایسته یا نالایق می‌داند و جوامع بسیاری را نشان می‌دهد که به وسیله رهبران شایسته از هیچ به همه چیز رسیده و یا بالعکس با داشتن همه امکانات و افتخارات گذشته بر اثر رهبری غلط، نالایق یا فاسد به کلی سقوط کرده است. (قربانی، ۱۳۶۱: ۳۴۶) به فرموده امام رضا علیه السلام، به درستی که ما در بررسی احوال بشر هیچ گروه و فرقه‌ای را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر به وجود سرپرستی که امور مادی و معنوی و دین و دنیای آنان را مدیریت نماید. (مجلسی، ج ۲۳، ۱۴۰۴: ۳۲)

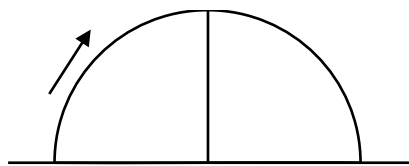
امامت در دین مبین اسلام به عنوان رهبری منتخب از ناحیه خدا و دارای عصمت و برتر از لحاظ فضائل نفسانی و کمالات انسانی و تکمیل‌کننده رسالت پیامبر ص است که بدون آن، دین ناقص مانده و رسالت انجام نگرفته است. (مائده ۶۷)

امام حسین علیه السلام به جهت اهمیت نقش رهبری در ساختن و یا خراب کردن جامعه، درباره رهبری یزید، می‌فرماید: با رهبری مثل یزید، فاتحه اسلام را باید خواند. (شریفی، ۱۳۹۷: ۲۸۵، ح ۲۵۲)

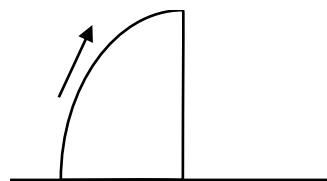
بنا بر این جامعه همواره نیازمند رهبری الهی است که رشد دهنده باشد و شکوفایی تمدنی منوط به وجود رهبری الهی در جایگاه حاکمیت جامعه است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «امامت، زمام دین است، و نظام مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان. امامت ریشه روینده اسلام و شاخه بالا رونده آن است.» (حکیمی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۶۲۳)

مؤلفه‌های تمدن و فراز و فرودهای آن

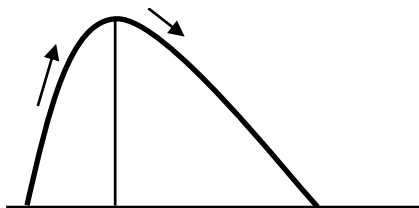
بر اساس برخی نظریه‌ها، تمدن‌ها به کمک عوامل متعددی ظهور کرده، شکوفا شده و سقوط می‌کنند. از این سیر در کتب تمدنی با عنوان زندگی و مرگ تمدن‌ها یاد می‌کنند. (آذرننگ، ۱۳۹۰: ۲۰) بر اساس این نظریه‌ها، منحنی سیر تمدن‌ها به سه شکل کلی ترسیم می‌شود. (شکل ۱ و ۲ و ۳) که در شکل اول تا نقطه اوج خود، با شیب منظمی صعود می‌کند ولی سقوطش دفعی است. در شکل دوم صعود و سقوطش، منظم و با سرعت و شیب متناسب اتفاق می‌افتد. در شکل سوم با شیب تندی صعود می‌کند ولی با شیب کندی سقوط.



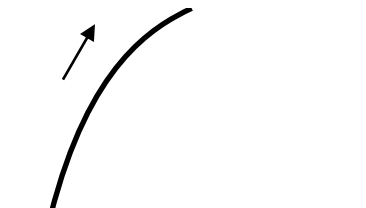
«شکل ۲»



«شکل ۱»



«شکل ۴»



«شکل ۳»

بر اساس فرضیه این تحقیق، حالت چهارمی هم می‌توان تصور و ترسیم کرد که در آن، با اعتقاد و التزام به باورهای راستین امامیه، سقوطی در کار نخواهد بود و بشریت به قله تمدن همه‌جانبه آرمانی خود حرکت خواهد کرد و خواهد رسید. (شکل ۴) آموزه امامت از آن باورها و عقاید تمدن‌ساز

است که با التزام عملی به آن، مؤلفه‌های تمدنی شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند. در ادامه، با ذکر برخی از مهمترین مؤلفه‌های تمدنی، به سازوکار اثرگذاری این آموزه بر مؤلفه‌های تمدنی با بهره‌مندی از آیات و روایات، می‌پردازیم.

بخش مهمی از تمدن‌سازی بر رکن نیروی انسانی استوار است و برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدنی مربوط به نیروی انسانی، عبارتند از:

«تعقل، معرفت و جهان‌بینی، عبودیت، علم و فناوری، امنیت و آرامش، عدالت، وحدت و انسجام، رفاه و آسایش.»

شوون و ویژگی‌های مختلف امامت با تشکیل، تقویت، تحکیم، تکمیل، جهت‌دهی، تداوم و تعالی این مؤلفه‌ها، موجب تکوین و شکوفایی تمدن اسلامی می‌شود.

ویژگی‌ها و شوون امامت و تأثیر آن در تمدن اسلامی

در کلام امامیه، «امامت»، مسئله‌ای الهی است، (شیخ صدوق، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۳۲؛ مجلسی، ج ۱۵، ۱۴۰۴: ۲۲۲) عصمت اولین شرط و از لوازم امامت است. (علامه حلی، ۱۴۳۰: ۱۸۴) زیرا امام، جانشین پیامبر و مرجع علمی در احکام و معارف دین است و لازم است که از گناه و خطا مصون باشد تا مردم بتوانند به او اعتماد کرده و هدف از تعیین امامان برای هدایت بشریت نقض نشود. (سبحانی، ۱۴۱۳: ۴/۱۱۶) متکلمان امامیه، حتی در مورد شرط بودن افضلیت اتفاق نظر دارند. (فاضل مقداد، ۱۳۹۱: ۳۳۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۲۲؛ مظفر، ج ۴، ۱۳۹۴: ۲۳۳) و امام را در تمام کمالات و فضائل نفسانی و بدنی افضل می‌دانند. (علامه حلی، ۱۴۳۰: ۱۸۷؛ مظفر، ج ۴، ۱۳۹۴: ۲۳۷-۲۳۸) امامان معصوم به غیر از آنچه از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله، بی‌واسطه یا باواسطه شنیده‌اند، (کلینی، ج ۱، ۱۳۹۳: ۲۵۶-۲۵۵) علوم دیگری به صورت الهام و تحدیث به آنان داده شده است. (مجلسی، ج ۲۶، ۱۴۰۴: ۵۷) امامان دارای ولایت تکوینی و تشریحی بوده که با توجه به ولایت تشریحی، تشکیل حکومت و اجرای شریعت از اهداف اصلی آنان است. (بقره: ۲۱۳؛ انبیاء: ۷۴؛ یوسف: ۲۲؛ ص: ۲۶)

ولایت امام و امت‌سازی

«اسلام صرفاً مکتب فکری محض نیست.» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۷۶) بلکه دینی، قابل اجرا است که در قالب برنامه عملی حکومت، تمامی اصول و باورهای دینی را محقق می‌کند. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، "ولایت" است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۳۹۵-۳۹۶) حکومت ولایی، نوعی متفاوت از دیگر حکومت‌هاست، که در آن، ابعاد معنوی و اتصالات روحی، ارتباطات مادی و ساختاری را همراهی می‌کند و حتی گاهی بر آن، مقدم است. امام کاظم علیه السلام در معرفی این نوع حکومت به هارون می‌فرماید: «أَنَا إِمَامُ الْقُلُوبِ وَأَنْتَ إِمَامُ الْجُسُومِ؛ مَنْ إِمَامٌ قَلْبِ هَيْمٍ وَتَوَآمَى جَسْمَهَا.» (ابن حجر هیتمی، بی تا: ۲۰۲) ولایت، یعنی حکومتی که ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات نزدیک فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است. (آل عمران: ۱۶۴) مردم به ولی متصل و پیوسته‌اند، به او علاقه‌مندند (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۵).

ولایت امام، سه آورده تمدنی برای جامعه دارد: وحدت، امت و امنیت.

۱. وحدت آفرینی ولایت

وحدت از مهم‌ترین عوامل تداوم و تقویت تمدن‌ها است. (انفال ۴۶، نساء ۵۹، آل عمران ۱۵۲، طه ۶۲) در بیان امیر المؤمنین ع، از مهمترین کارکردهای امام، ایجاد «وحدت» است: «مَكَانَ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النِّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيُضَمُّهُ..؛ جایگاه رهبر مانند ریسمان محکمی است که مهره‌ها را جمع می‌کند و به هم پیوند می‌دهد. اگر این رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶) در بیانی دیگر جایگاه رهبری به محور آسیاب تشبیه شده است: «إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا» (نهج البلاغه، خطبه ۳) همان‌طور که در مدت رهبری الهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، افرادی از نژادهای متفاوت، با زبان‌های مختلف و از طبقات متفاوت اجتماعی، گرد وجود ایشان جمع شده بودند.

قرآن کریم برای حل اختلاف، امت را به سمت ولایت سوق می‌دهد. (آل عمران: ۱۰۳؛ نساء: ۵۹) با وجود سرمایه وحدت بخش ولایت، جامعه ولایی جامعه‌ای وحدت‌زا و خالی از تفرق است. علت این وحدت، قدرت و محبوبیت متمرکز «امام» در متن جامعه ولایی است. «امامت» با قدرت

وحدت‌بخش خود، جمعیت متفرق و متشتت را به امتی واحد مبدل می‌کند و در زیر چتر ولایت الهی نظم و انتظام داده و سامان‌دهی می‌نماید. (آصفی، ۱۳۸۲: ۴۰) و جامعه ولایی شکل می‌گیرد که از جلوه‌های بارز آن، انسجام و ارتباط بسیار قوی در میان افراد جامعه است، به گونه‌ای که مانند یک پیکر واحدند. مؤمنان باهم برادرند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و حدیث نبوی می‌فرماید:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ، وَتَرَاحُمِهِمْ، وَتَعَاظِفِهِمْ، مِثْلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى؛ مؤمنان در دوستی، عطوفت و مهر ورزی نسبت به هم چنان یک پیکرند؛ که هرگاه عضوی از آن به در آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرا می‌گیرد.» (پاینده، ۱۳۸۳: ۵۶۱ ح ۲۷۱۲)

از ظرفیت‌های آموزه امامت، بالا بردن یکپارچگی و روح جمعی در جامعه است، که برای تداوم، رشد و ترقی جوامع، امری ضروری است.

۲. گستره تمدنی امت واحده زیر چتر ولایت

اسلام دین فطری و جهان‌شمولی برای انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌ها است. (اعراف: ۱۵۸) و جامعه اسلامی و ولایی مانند چتری الهی، برای همه انسان‌هاست؛ نژاد، قومیت، منطقه جغرافیایی، اصالت ندارد. جهان‌شمولی جامعه آرمانی اسلامی از آیاتی با خطاب‌های عام، (انبیاء: ۱۰۷، اعراف: ۱۵۸) روایاتی با مضامین جهان‌شمولی (شیخ صدوق، ج ۲، ۱۳۸۲: ۱۲۷؛ بحرانی، ج ۱، ۱۴۳۵: ۵۲۰) و حتی وقایع تاریخی مانند؛ عقد اخوت میان مهاجرو انصار، وجود صحابه با نژادهای ایرانی (سلمان فارسی)، آفریقایی، رومی (صهیب ابن سنان) (ابن عبدالبر، ج ۲، ۱۴۱۲: ۷۲۶) متجلی است. مرزهای (اعتباری)، در تصور آرمانی اسلام، اصل نیست (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و مرز حقیقی، عقیده و پای‌بندی به ارزش‌های اسلامی است. بنا بر این جامعه ولایی محدود به سرزمین و مرز جغرافیایی نبوده بلکه هر فردی در هر جای دنیا می‌تواند زیر چتر جامعه ولایی و جزئی از «امت واحده» باشد.

۳. امنیت آفرینی ولایت

«امنیت» به معنای آرامش و طمأنینه و ضد ترس (راغب، ۱۳۸۸: ذیل واژه «امن»)، از اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی است. امنیت، زیربنای حیات فرد و جامعه، و پیش شرط هر گونه توسعه، رشد، رفاه و ارتقای مادی و معنوی و زیرساختی برای عبادت و عبودیت است. «وَلِيَدُلُّهُمْ مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ» (نور ۵۵) (درباره انواع امنیت، ر.ک. احمد الصیاد، ۲۰۰۴) امنیت فردی، اجتماعی، خانوادگی، بین‌المللی، داخلی، فرهنگی ... از انواعی است که می‌توان برشمرد. (مسعود باوان، پوری نرگس لرستانی، سودابه جعفری، امنیت، چیستی، انواع و تأثیر آن بر جامعه با نگاهی به آیات قرآن کریم، دانش‌نامه علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ۷۷ تا ۹۶)

قرآن کریم با مثالی از یک شهر امن، محور امنیت را رهبری الهی معرفی می‌کند، «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُّطْمَئِنَّةً...» (نحل: ۱۱۲) که با نفی و تکذیب او، امنیت از بین می‌رود و اهلش دچار عذاب الهی می‌شوند. «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (نحل: ۱۱۳)

رهبران الهی به عنوان «ءَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ» (جامعه کبیره) از شروط اصلی و تضمین‌کننده امنیت (در همه ابعاد) هستند. در حدیث سلسله الذهب «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا: بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (شیخ صدوق، ۱۴۱۶: ص ۲۵) پس از اشاره به توحید با کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، به ولایت الهی اشاره شده و با بیان جمله «به شرطها و شروطها و انا من شرطها» به ولایت امامان معصوم توجه می‌دهد که موجب امنیت افراد از عذاب اخروی و دنیوی است.

در حقیقت امنیت به طور مطلق، نشأت گرفته از وجود امامان معصوم است. «أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لَّكُمْ؛ أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ مَّيَةِ أَمْنِيَّتِ شِمَا هَسْتَنْد.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۱۷۱) و جامعه متمدن اسلامی بر محور امامت در همه ابعاد آمَنَةٌ مُّطْمَئِنَّةٌ است. امام سجاده ع می‌فرماید: «نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛ ... مَا سَبَبَ أَمْنِيَّتِ أَهْلِ زَمِينِ هَسْتِيم.» (حمویی جوینی، ۱۴۰۰: ص ۴۶) و در روایتی دیگر آمده است: «بِنَا أَوْ تَدَّ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهِ؛ خُدا به بَرَكَتِ مَا مَعْصُومِينَ، زَمِينِ رَانِكِه دَاشْتِه است.» (کلینی، ۱۳۹۳: ۵۳۴، ح ۱۷)

امام علاوه بر اینکه به طور تکوینی سبب امنیت زمین است، به لحاظ فرآیندی هم آموزه امامت، در جامعه، تولید امنیت می‌کند. به این صورت که آموزه امامت و ولایت، جامعه‌ای همدل و هماهنگ می‌سازد که روابطی مبتنی بر دوستی و الفت دارد. مقام امامت، مقوم جامعه با افرادی متفاوت ولی همدل و برادر است که سبب اذیت و ناامنی یکدیگر نمی‌شوند. زیرا از امام خود شنیده‌اند که خدا می‌فرماید: «هر کس بنده مؤمن مرا بیازارد به من اعلان جنگ می‌دهد.» (کلینی، ج ۲، ۱۳۹۳: ۳۵۰) چنین جامعه‌ای با برادری میان مسلمانان حول محور امامت، حتی نگاه بد و فکر سوئی نیز نسبت به هم ندارند و این تأمین‌کننده امنیت روحی و روانی افراد جامعه است: «اقبل عذر أخيك، فإن لم يكن له عذر فالتمس له عذرا؛ عذر برادرت را بپذیر و اگر عذری نداشت برایش عذری بتراش.» (مجلسی، ج ۷۴، ۱۴۰۴: ۱۶۵)

علم امام و پیشرفت جامعه

امام -عالم‌ترین فرد هر زمان- بسترساز رشد علم و فناوری مفید و نیز عامل شکوفایی عقل افراد جامعه است؛

۱. رشد و تعالی علم و فناوری

«علم» به معنای «دانش، آگاهی» (عمید، ۱۳۷۵: ۸۷۱) و «فناوری» مترادف تکنولوژی، به معنی «هنر و مهارت در دانش» (هدایتی، ۱۳۹۲: ۲۹) در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. امیر المؤمنین علی ع، علم را مایه قدرت معرفی می‌کند: «العلم سلطان» (ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ۱۳۶۳: ۳۱۹) علم و فناوری، عنصری حیاتی در چرخه قدرت، و تأثیرگذار بر سایر مؤلفه‌های قدرت هستند. با درک جایگاه علمی امام، می‌توان افق دید درستی برای جامعه و تمدن اسلامی ترسیم کرد. امام برخوردار از علم لدنی و افاضی و عالم به همه امور دین و دنیا است. (کلینی، ج ۱، ۱۳۹۳: ۱۵۷) این منشأ الهی و لدنی، سبب برتری علم امام بر سایر مردم می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «شَرِّقًا وَغَرِّبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ» (مجلسی، ج ۲۰، ۱۴۰۴: ۹۲، ح ۲) به شرق و غرب عالم بروید، هرگز دانش درستی را نخواهید یافت، مگر همان چیزی که از ما خاندان صادر شود. امام سجاد علیه السلام، اهل بیت را ظرف و جایگاه علم الهی توصیف می‌کنند:

«نحن عیبه علمه» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۵، ح ۵). امام حسن علیه السلام جایگاه همه علوم را نزد ائمه معرفی می‌کنند: «إِنَّ الْعِلْمَ فِينَا، وَنَحْنُ أَهْلُهُ، وَهُوَ عِنْدَنَا مَجْمُوعٌ كُلُّهُ بِحَدِّ أَفْرِه؛ علم در میان ماست و ما اهل آنیم و همه آن به کمال نرد ماست.» (طبرسی، ج ۲، ۱۴۰۳: ۶۳، ح ۱۵۵)

وجود امام با چنین ظرفیت علمی به عنوان رهبر جامعه، در تأسیس علوم جدید، رشد علوم، نشر علوم و جهت‌دهی علم اثر می‌گذارد و در نتیجه موجب شکوفایی علمی جامعه و تمدن می‌شود. توصیه‌های فراوان به علم آموزی در آیات و روایات، فدیة قرار دادن سوادآموزی برای اسراء (عطا، ج ۲، ۱۴۱۰: ۱۶) نشان از روح علمی جامعه اسلامی بوده که بستری مناسب برای رشد علوم مختلف است. امیرالمؤمنین خطاب به مردم فرمود «سلونی»، جمله‌ای که نشان از جایگاه علمی ایشان در همه زمینه‌ها است. (قرطبی، ج ۱، ۱۳۷۹: ۴۶۳) «امام با این عبارت جامعه را در معرض بارش علمی خویش قرار داد و فرهنگ بسط علم را ترویج کرد.» (حیب زمانی محجوب، نقش امام علی ع در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، کتاب مجموعه مقالات کنگره)

تاریخ موارد فراوانی از تأسیس علوم توسط معصومین ع برای پیشرفت علمی جامعه را گواهی می‌دهد؛ مؤسس علم تفسیر قرآن و اولین مفسر قرآن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و تأسیس فرهنگ مکتوب، مرهون وجود با برکت امام باقر علیه السلام است. (مجلسی، ج ۵۲، ۱۴۰۴: ۳۳۶) «علم نحو را امام علی علیه السلام ایجاد نمود.» (ابن بی‌الحدید، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۲) امام صادق علیه السلام با تشکیل جلسات علمی و پرورش شاگردان، به گسترش علوم مختلف، کمک بسیار نمودند. جابر بن حیان پدر علم شیمی، از شاگردان آن حضرت است. «او در علم شیمی پانصد رساله در یک‌هزار ورقه تألیف کرد و این رساله‌ها متضمن رسائل امام جعفر صادق علیه السلام بوده است.» (ابن خلکان، ج ۱، بی تا: ۱۸۵)

۲. رشد تعقل و عقل ورزی

در اندیشه اسلامی، عقل و عقلانیت از مهم‌ترین ویژگی‌های تمدن اسلامی است. «تمدن اسلامی در حقیقت همان تمدن عقل است. زیرا محور اساسی این تمدن، تعالی انسان است که قوام آن به عقل او است.» (درخشه، ۱۳۹۰: ۲۵۶-۲۵۷) تعقل از مهم‌ترین شرایط رهبری جامعه است: «يَحْتَاجُ الْإِمَامُ إِلَى قَلْبٍ عَقُولٍ، ...؛ امام به قلبی اندیشمند، ... نیازمند است.» (آمدی، ج ۶، ۱۳۹۵: ۴۷۲) در

اسلام، عقل محدود به عقل ابزاری یا معاش نبوده و هرگونه توجه ناقص به آن، ضدعقل و ناشی از جهالت به شمار می‌آید. (درخشه، ۱۳۹۰: ۲۵۹)

رهبر الهی، به طرق مختلف، رشد دهنده و احیاگر عقول است. «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ... وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (الرضی، ۱۳۸۷: خطبه ۱)

«علم‌آموزی، تفکر، تقوا و تزکیه، روح علمی» از مهم‌ترین عوامل افزایش عقلانیت و خرد در جامعه است. (شاگری، ۱۳۸۴، شماره ۱۲) رهبران الهی با رسالت «تلاوت، تزکیه و تعلیم» «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه ۲) سبب رشد عقول و عقل‌ورزی در جامعه می‌شوند.

در فرهنگ اسلامی، علم و عقل رابطه مستقیم دارند و رشد هر یک، تأثیر مثبت بر دیگری می‌گذارد. آیات قرآن کریم، عالم بودن را شرط تعقل در افراد می‌داند. «وَمَا يَعْزِمُهَا إِلَّا الْإِلْمُونَ» (عنکبوت؛ ۴۳) امام به عنوان رهبر جامعه با رسالت «یعلموا» در رشد علم، نشر علم، جهت‌گیری علم، تأثیرگذار است. که در بخش علم و فناوری به تفصیل به این شأن امام، پرداخته شده است.

عامل دیگر رشد تعقل، تزکیه است؛ «مَنْ لَمْ يَهْدَبْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْعَقْلِ؛ هر کس نفس خود را تهذیب نکند، از عقل بهره‌ای نخواهد برد.» (آمدی ۱۳۹۵: ح ۱۹۸) تقوا و تزکیه، موجب فعال شدن عقل و کارکرد تمیزدهندگی حق و باطل می‌شود. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال؛ ۲۹) امام با نظام‌سازی ایمانی و جامعه‌پردازی، موجب تزکیه فضای کلی جامعه و در نتیجه رشد تعقل و تمیزدهندگی افراد جامعه می‌شود.

از دیگر عوامل زمینه‌ساز رشد تعقل، تفکر است؛ «تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ: یک ساعت تفکر، از یک سال عبادت بهتر است.» (مجلسی، ج ۷۱، ۱۴۰۴: ۳۲۷) رهبر الهی با تبیین آیات انفسی و آفاقی، و تشویق به تفکر، موجب رشد تفکر در افراد و در نتیجه، افزایش تعقل می‌شود. همچنین روح علمی-یعنی تعصب نداشتن- (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۸) موجب شکوفایی عقل در جامعه می‌شود. علاوه بر عوامل ذکر شده، امامان از طریق فرامادی، سبب رشد تعقل در جامعه هستند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛ هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند خداوند دست خود را (یا دست حضرت مهدی علیه

السلام را که دست اوست) بر سر مردم می‌گذارد و بدین وسیله عقل‌های مردم کامل می‌شود و تکامل عقلی پیدا می‌کنند.» (کافی، ج ۱، ۱۳۹۳: ۲۵)

بنا بر این امام با «فرهنگ سازی علم آموزی، تقویت تقوا در جامعه، ترویج تفکر، تزکیه نفوس، تلاوت آیات و نیز با افاضه تکوینی»، عقول افراد جامعه را رشد می‌دهد. برخی نتایج رشد خرد در جامعه عبارتند از:

«تفکر و اندیشه، خداشناسی، تواضع، شکر بر حلال، صبر از حرام، زهد، رغبت به آخرت، کنترل بر «سخن، تقاضا و وعده»، بیش از استعداد و استحقاق نخواستن، دروغ نگفتن (حتی برای کسب نفع)، دوری از دورویی» (ابن شعبه، ۱۳۹۳: ۲۷۵-۲۹۵)

پس در فرآیند قابل توجهی، امام با تقویت عقول مردم، نتایج حاصل از خردورزی را به جامعه و تمدن اسلامی، هدیه می‌کند.

عدالت امام و جامعه‌ای عدالت‌محور

بی‌عدالتی از مهم‌ترین موانع حرکت تمدنی و سبب انحطاط تمدن‌ها (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۱۰۳) و نیز عامل ویرانی آن‌هاست. «فَتِلْكَ بَيُّوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (نمل؛ ۵۲) امیرالمؤمنین (ع) عدالت را موجب انتظام امور مردم، دانسته «العدل قوام البرية» (آمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۱) و علامه جعفری عدالت را اصلی‌ترین نیروی پایدارکننده تمدن‌ها برمی‌شمارد. (جعفری، ۱۳۷۲: ۴۹-۵۰)

عدالت به معنای «قرار دادن هر چیز به جای خویش و اعطای هر حق به صاحب آن حق» (توانایان فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۷) مورد تأیید امیرالمؤمنین (ع) است. «العدل يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (الرضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۳۷) اهمیت عدالت در مکتب امامیه تا بدان جاست که حکومت شیعه به عنوان «حکومت عدل» نامیده می‌شود. (درخشه، ۱۳۹۰: ۹۰)

شرط اولیة هر پیامبر، امام و حاکمی، «عادل بودن» اوست و طبق آیات قرآن، هدف از ارسال رُسل و انزال کتب، اجرای «عدالت و قسط» در جامعه است. (النساء: ۱۳۵، الشوری: ۱۵، النحل: ۹۰، الحدید: ۲۵، شبذینی، ۱۳۹۰: ۲۶) در آیه ۱۳۵ سوره نساء: «قسط به معنای عدل است و قیام به قسط

به معنای عمل به قسط و تحفظ بر آن می‌باشد. بنا بر این مراد از «قوامین بالقسط» قائمین به قسط است.» (طباطبایی، ج ۵، ۱۴۱۷: ۱۰۸)

۱. معیار عدالت

عادل دارای چهار شاخصه است؛ «عدالت چهار شعبه دارد؛ فهم دقیق، علم، دانش عمیق و قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری راسخ. کسی که درست بیندیشد به اعماق دانش، آگاهی می‌یابد و کسی که به عمق علم، برسد از سرچشمه احکام سیراب می‌گردد و آن کس که بردباری پیشه کند گرفتار کوتاهی در امور نمی‌شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی خواهد کرد.» (الرضی، ۱۳۸۷: حکمت ۳۱) خلاصه، شخصی، عادل است که دارای درک عمیق، دانش محکم، حکمت نیکو و حلم پایدار باشد. کسی که عدالت را درک نکند و از ابعاد آن آگاه نباشد نمی‌تواند اجراکننده عدالت در جامعه باشد. (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۸۴) امام معصوم با اشراف کامل به جایگاه هر شخص و شیء، مظهر تام عدالت بوده و آن را در جامعه جاری می‌سازد. بر اساس روایات، شرط اجرای تام عدالت، رهبری امام معصوم است: «یملأ الله به الأرض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما» (کلینی، ج ۱، ۱۳۹۳: ۳۳۸) عدالت، مفهومی گسترده است که دایره نفوذ آن همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مسائل فردی، اجتماعی، بین‌المللی است. «امام عادل» زیربنای همه عدالت‌ها و عامل اصلی حیات و حرکت اسلام در جامعه محسوب می‌شود. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۹؛ مطهری، ۱۳۷۹: ۴۷)

۲. عدالت فرهنگی

در تمدن غیر اسلامی، عدالت فرهنگی همراه با نوعی استبداد، جای گرفتن تمامی فرهنگ‌ها با تفاوت‌های بسیار، در قالبی مشخص و یکدست است. چنان‌که افلاطون موزون بودن و تناسب کلی جامعه را عدالت دانسته است. (ملکی و مصطفوی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۷۳)

ساختن الگویی ثابت برای تمامی کشورها با عناوینی مانند، جهانی شدن، یکسان‌سازی و... موجب قربانی شدن هویت‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌های خوب جوامع شده که اندیشمندان اجتماعی از آن با عنوان ظلم فرهنگی یاد می‌کنند. اما تمدن اسلامی با محترم شمردن فرهنگ‌های جوامع مختلف، به

یک جامعه جهانی مبتنی بر احترام به دیگر فرهنگ‌ها براساس تعارف و شناخت یکدیگر (لتعارفوا) معتقد است، که منجر به حفظ هویت آن‌ها و سنت‌های درست‌شان می‌شود. چنان که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «يعمل في الاسلام بفضائل الجاهلية؛ در اسلام به فضایل عصر جاهلیت عمل می‌شود.» (عبدالباقی، ۱۹۸۷: ۱۰۸؛ خرمشاهی، ۱۳۷۱: ۵۵۵)

تمدن اسلامی، با تشکیل نظام «امام و امت»، تفسیر درست و بدون ظلم و استبداد از «عدالت فرهنگی» را به جهان عرصه می‌دارد.

فعالیت در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و.. طبق موازین الهی، آزاد است و هیچ صنف و دسته‌ای، امتیاز خاصی ندارند. تنها ملاک امتیاز، رعایت تقوا و حدود الهی، در بعد فردی و اجتماعی است. (حجرات: ۱۳) امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لا حَسَبَ لِقُرَشِيٍّ وَلَا لِعَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَوَاضُعٍ وَلَا كَرَمٍ إِلَّا بِتَقْوَىٰ وَلَا عَمَلٍ إِلَّا بِبِنْيَةٍ؛ هیچ شرافت و افتخاری برای قریش یا عرب نیست مگر به سبب تواضع، و هیچ کرامت و ارزشی نیست مگر به تقوا، و هیچ عملی ارزشی ندارد مگر به سبب نیت.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۶: ۱۹)

۳. عدالت سیاسی

در حکومت ولایی؛ معیار حاکمیت و قرار گرفتن در رأس امور، وجود صلاحیت‌هایی از قبیل علم، تقوا و عدالت است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) شخص با داشتن این صلاحیت‌ها می‌تواند در این نظام، صاحب منصب گردد و این مؤلفه، شاخصه برجسته تمدن اسلامی است. (مرکز صهبا، ۱۳۹۱: ۱۶۷)

۴. عدالت اجتماعی

از مهم‌ترین راهکارها برای اجرای عدالت در جامعه، استقرار نظام مدیریتی عادلانه است؛ هم قانون عادلانه باشد و مجری آن، عادل باشد. هر قانونی در نظام اسلام، از عدل سرچشمه گرفته است. (سبحانی، ۴۱۸-۴۱۹) توزیع عادلانه فرصت‌ها در جامعه، امکان شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌ها را برای همه افراد فراهم می‌سازد و زمینه ساز رفع محرومیت‌ها می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۹۶) در تمدن اسلامی با رهبری امام عادل، افراد به امکانات و فرصت‌های اجتماعی، دسترسی

عادلا نه دارند. البته نه عدالت به معنای کمونیستی (تساوی همه افراد و اقشار) (شهید صدر، ۱۳۵۰: ۶۸)، عدالت به معنای نفی تبعیض‌هاست نه نفی تفاوت‌ها.

۵. عدالت اقتصادی

در جامعه‌ای که امام عادل تربیت و مدیریت انسان‌ها را بر عهده دارد با همراهی مردم، نگاه انسان مدارانه و مادی صرف، جای خود را به نگاه توحیدی و ولایی می‌دهد و امکانات مادی و داری‌های اقتصادی امانت‌های الهی به حساب می‌آیند و این چنین، زمینه توزیع عادلانه اموال و امکانات در میان مردم فراهم می‌شود؛ «أَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ... از آنچه شما را در آن وارث گذشتگان گردانید، انفاق کنید.» (حدید: ۷۰) و با توجه به اینکه «المال عاریة؛ مال امانت است.» (آمدی، ج ۱، ۱۴۲۳: ۲۶) و نیز «المال مالُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ؛ مال از آن خداست و خداوند آن را به عنوان ودیعه در اختیار بندگانش قرار داده است.» (حکیمی، ج ۳، ۱۳۹۵: ۸۹-۸۷) اموال در جایگاه مناسب خود قرار می‌گیرند و این، موجب قوام و پایداری جامعه می‌شود. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵)

در جامعه و تمدن اسلامی، عدالت موجب رحمت الهی (آمدی، ۱۳۹۵: ۶۲۸)؛ افزایش برکات (آمدی، ۱۳۹۵: ۲۹۷)؛ اصلاح امور مردم (آمدی، ۱۳۹۵: ۱۷۵)؛ محبت و مودت؛ بقا و طول دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین ص ۱۲۵)؛ آبادانی؛ «ما عَمَّرَتِ الْبُلْدَانَ بِمَثَلِ الْعَدْلِ» (بقا و طول دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین ص ۱۹۳)؛ عزیز شدن حق، یأس دشمن و پایداری دولت، می‌شود. «فَإِذَا آدَتُ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ آدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ طَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ.» (الرضی، ۱۳۸۷: خطبه ۲۱۶).

امام و مرجعیت دینی

از شئون امام در جامعه دینی، مرجع بودن او در مسائل دینی است. مرجعیت امام در جامعه، هم معرفت صحیح را سبب می‌شود و هم عبادت الهی را؛

۱. معرفت و جهان‌بینی

جهان‌بینی به معنای «تفسیر و تحلیل جهان و نوع نگرش به هستی» از مؤلفه‌های مهم تمدن‌سازی است. جامعه متمدن، جامعه‌ای است که جهان‌بینی و معرفت درستی بر آن حاکم باشد. تا حکومت در اختیار رهبران الهی قرار نگیرد، توحید در جامعه استقرار نمی‌یابد. «هدف اصلی و نهایی جامعه آرمانی اسلامی، استکمال حقیقی انسان‌هاست که جز بر اثر خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی، کسب رضای خدای متعال و تقرب به درگاه او حاصل‌شدنی نیست.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۵۶)

امیرالمؤمنین ع شناخت امامان را عامل رشد معرفت می‌داند: «وَ إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ؛ منحصرًا پیشوایان برپادارندگان «دین» خدا بر خلق اویند و عارفان خدا بر مردم و هیچ کس وارد بهشت نمی‌شود، مگر کسی که شما او را شناخته‌اید و او شما را شناخته است و عرفایی هستید که هیچ کس داخل دوزخ نمی‌شود، مگر آن‌ها که شما را انکار کنند و شما آن‌ها را انکار کنید. (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ح ۱۸۳)

استقرار معرفت و جهان‌بینی در جامعه، منوط به معرفت به امامان است. قبلا اشاره شد که امام رضا علیه السلام، امامت را پیش شرط ایمان به توحید دانسته است (شیخ صدوق، ۱۴۱۶: ۲۵) از جمله حقوق مأموم بر امام، معرفت‌بخشی و خارج کردن از جهل است: «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا؛ حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم، بر ثروت شما بیفزایم و شما را تعلیم دهم تا رفتار جاهلانه نداشته باشید و تربیتتان کنم تا به آگاهی عمیق برسید.» (الرضی، ۱۳۸۷: خطبه ۸۶) و شرط خروج از جهل، شناخت امام است. (شیخ صدوق، ۱۳۸۲: ص ۲۳۰)

امام دعوت‌کننده به سوی خدا است. «الداعی الی الله» (شیخ صدوق، ج ۱، ۱۴۱۶: ۴۴۹) و نشان‌دهنده راه درست: «و اوضح لهم سبيلهم» (عطاردی، ج ۱، ۱۴۱۸: ۲۹۱) امامان کسانی هستند که مردم توسط آنان به خداوند متعال و دین و معرفت آن توجه پیدا می‌کنند. (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ج ۱، ۱۴۰۴ ق: ۲۳۱) بنا براین جهان‌بینی درست را به امت هدیه می‌کند. بیان معارف اصیل دینی، شرط انجام امامت است. امر امامت انجام نمی‌شود تا اینکه معالم و معارف دینی را برای امتش

تبیین کرده باشد. (عطاردی، ج ۱، ۱۴۱۸: ۲۹۱) امام با «تبیین وحی» و «وحی تبیینی» (سبحانی، ج ۲، ۱۳۷۹: ۲۳) شناخت روشنی از خالق و مخلوق و عالم و آدم و هر آنچه انسان‌ها در مسیر عبودیت و استکمال به آن نیاز دارند به امت خویش می‌دهد. و در این راستا ۴ عمل زیر را انجام می‌دهد؛

- تبیین وحی الهی و مقاصد آن؛
- بیان احکام موضوعات جدید در حوزه وظایف فردی و اجتماعی مسلمانان؛
- پاسخ‌گویی به شبهات مخالفین اسلام و ردّ اعتراضات آنان به حقانیت آیین اسلام؛
- محافظت و پاس‌داری از کیان آموزه‌های دینی و جلوگیری از وقوع تحریف و بدعت در آن‌ها. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۹۱-۱۹۲)

۲. عبودیت

در فرهنگ دینی، رشد و شکوفایی تمدن با ملاک‌های مادی سنجیده نمی‌شود، بلکه مسیر حرکت اجتماعی و یا وجود افراد صالح، تعیین‌کننده اطلاق مدنیت به هر جامعه‌ای است. و لازمه مدنیت، ایمان است. این معنا به وضوح در تقابل واژه قریه و مدینه در سوره یس آیات ۱۳ و ۲۰ دیده می‌شود. دیاری که به تبع کافران قریه خوانده شده و به تبع وجود فرد صالح و مؤمن در آن، مدینه نامیده می‌شود. عبد بودن بالاترین درجه‌ای است که انسان در سیر تکاملی باید به آن برسد. «اشهد أن محمدا عبده و رسوله».

غایت و هدف خلقت، عبودیت است. (ذاریات: ۵۶) هدف نهایی در تشکیل تمدن اسلامی نیز عبودیت است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ» (نور: ۵۵) طبق روایتی از امام حسین علیه السلام شناخت امام هدف خلقت است: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ...؛ ای مردم! به خدا قسم خداوند بندگان را نیافرید مگر برای آنکه او را بشناسند. وقتی او را شناختند، او را عبادت کنند. وقتی عبادتش کردند، از عبادت (سرسپردگی در برابر) دیگران بی‌نیاز گردند. شخصی گفت: پدر و مادرم فدایت باد! معرفت

خدا به چیست؟ فرمود: عبارتست از شناخت مردم هر زمان امامشان را؛ آن امامی که اطاعت او بر آنها واجب است.» (ابن بابویه، ۱۳۸۴: ۹)

طبق آیه ۵۵ سوره نور، تحقق عبادت نیاز به شرایطی از جمله تبدیل خوف به امن دارد، امام با ایجاد شرایط مساعد جهت بندگی و ایجاد جامعه آمنة مطمئنه و آزادی از شرک و بت پرستی، زمینه‌ساز عبودیت فردی و اجتماعی می‌شود. و شرط قبولی عبادت افراد، قرار گرفتن ذیل هدایت و رهبری امام معصوم است: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةَ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا إِذَا تَوَلَّوْا الْإِمَامَ الْجَائِرَ الَّذِي لَيْسَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى» (مجلسی، ج ۲۴، ۱۴۰۴: ۴۳)

افضلیت امام و پیشرو بودن جامعه

گونه رهبری در تمدن اسلامی با سایر مدیریت‌ها و رهبری‌ها به جهت شأن افضلیت امام، متمایز است. امام در تمدن اسلامی، راهبر جامعه و پیشتاز بوده و جلوتر از امت پیش می‌رود. برترین بودن امام در نیکویی رفتار اجتماعی امت و در تأمین رفاه اثرگذار است؛

۱. فضائل اخلاقی و رفتاری

تشکیل جامعه متمدن بدون اخلاق امکان‌پذیر نیست. از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای حکومت دینی بسترسازی برای رشد اخلاق در جامعه است. «راه ایجاد فضلیت در وجود انسان آن است که افعال و سنن فاضله پیوسته در شهرها و میان امت‌ها رایج باشد. این کار امکان‌پذیر نیست مگر به وسیله حکومتی که در پرتو آن این افعال و سنن و عادات رواج یابد.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۸۰) تحقق چنین جامعه‌ای نیاز به رهبری بافضائل اخلاقی دارد: «الْأَسْبَابُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (ابن شعبه، ج ۱، ۱۳۹۳: ۳۲۳) در فرهنگ اسلامی افضلیت یکی از شرایط و ویژگی‌های مهم امامت است. (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۱۹۸) امام در تمام کمالات نفسانی و بدنی، افضل است. (علامه حلی، ۱۴۳۰: ۱۸۷) رهبران الهی با الگوهای رفتاری و توصیه‌های کلامی بر رشد فضائل در افراد جامعه، تأثیر مثبت می‌گذارند. امیرالمؤمنین در توصیف شجاعت خود چنین می‌فرماید: «وَإِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَانِمٍ، سِيمَاهُمْ سِيمَا الصِّدِّيقِينَ، وَكَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَبْرَارِ، عُمَارُ اللَّيْلِ وَمَنَارُ النَّهَارِ. مَتَمَسِّكُونَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ، يُحْيُونَ سُنْنَ اللَّهِ وَ سُنْنَ رَسُولِهِ؛ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَلَا يَعْزَلُونَ، وَلَا يَغْلُونَ وَلَا يُفْسِدُونَ.»

قُلُوبُهُمْ فِي الْجَنَانِ، وَأَجْسَادُهُمْ فِي الْعَمَلِ؛ من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ ملامتی هراس ندارند، از کسانی که شب‌ها را با عبارت آباد می‌کنند و (در طریق هدایت مردم) روشنی بخش روزهایند، از کسانی که دست به ریسمان قرآن زده و سنت‌های خدا و رسولش را احیا می‌کنند، تکبر نمی‌ورزند و برتری جویی ندارند. سعی و تلاش از ویژگی‌های رفتاری بارز امامان معصوم بوده که با رفتار خود به آن تشویق می‌کردند. عزم و اراده از جمله ویژگی‌هایی است که امیرالمؤمنین در خطبه قاصعه به آن اشاره می‌کند: «جعل رسله أولى قوه فی عزائمهم» (الرضی، خطبه ۱۹۲). بنا بر این امتی می‌تواند دارای این خصائص و فضائل شود که امام‌شان دارای این فضائل باشد.

۲. رفاه و آسایش

از شاخص‌های مهم جامعه متمدن، رشد اقتصاد، رفاه و آسایش است. رفاه عمومی به معنای «تحقق اهداف جمعی و برآوردن نیازها و مطالبات به حق افراد جامعه در عرصه رفاه و آسایش»، نتیجه رشد و پیشرفت جوامع است. رفع فقر از عوامل مهم ایجاد رفاه در جامعه است. در فرهنگ اسلامی، مال و ثروت، پایه قوام و قیام انسان‌هاست؛ «أموالکمُ الّتی جعلَ اللهُ لکمُ قیما» (نساء: ۵) و ابزاری برای تحقق اهداف متعالی فرد و جامعه.

امامان معصوم با عنوان «أولیاء النعم» (جامعه کبیره) عهده‌دار سرپرستی و برنامه‌ریزی امورند که از برکت آن‌ها نعمت‌های الهی تقدیر و اندازه‌گیری می‌شود. (جوادی آملی، ادب فنای مقربان: ۲۲۶) وجود برکات و نعمات الهی در گرو شروطی مانند ایمان در جامعه است (اعراف: ۹۶) جامعه اسلامی به برکت وجود رهبران الهی، جامعه ای ایمانی و مشمول برکات و نعمات الهی می‌شود. پیامبر اکرم فرمود: «هنگامی که به معراج رفتم، خداوند خطاب به من فرمود: به وسیله قائم شما آباد می‌کنم زمینم را به تسبیح و تقدیس و تهلیل خود...، به وسیله او زنده می‌کنم سرزمین‌ها و بندگام را به علم خویش و برای او گنج‌ها و ذخائر را به مشیت خود آشکار کنم.» (مجلسی، ج ۱۸، بی تا: ص ۳۴۲) تأمین رفاه عمومی از وظایف حاکم جامعه است. امیرالمؤمنین در نامه خود به مالک اشتر (به عنوان منشور حکومت داری) به آن اشاره کرده (نهج‌البلاغه نامه ۵۳) و در گزارش عملکرد حکومت خود رفاهی که برای مردم فراهم آورده را بیان می‌کند. «در کوفه همه زندگی مناسب دارند.

صاحبان پایین‌ترین شغل‌ها هم نان گندم می‌خورند، خانه و سرپناه دارند، و از آب گوارا (فرا) می‌نوشند.» (مجلسی، ج ۴۰، بی تا، ص ۳۲۷)

بهترین حد تأمین رفاه در جامعه‌ای با سرپرستی امام معصوم واقع می‌شود زیرا ائمه اطهار، واسطه نعمات معنوی و مادی اند و به برکت وجودی آنها، نعمات الهی نازل می‌شود. «وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْعَيْثُ وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يَنْفُسُ اللَّهُمَّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ؛ به یمن وجود شما باران را نازل می‌کند و آسمان را از سقوط به زمین بدون اذنش باز می‌دارد و به وسیله شما الطاف شما غبار اندوه را از دل‌ها می‌زداید و سختی زندگی و بدی حال را برطرف می‌سازد.

(تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۳: ۶۳۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: آگاه باشید فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است. عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد، و کلیدهایش را به او می‌سپارد، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایاند، و کتاب خدا و سنت پیامبر را زنده می‌کند. «نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸)

کفران نعمت (نحل: ۱۲)، فساد (فجر: ۷)، غفلت (فجر: ۱۵) از جمله آسیب‌های رفاه است که موجب سلب نعمت می‌شود. رهبری معصومانه در جامعه ایمانی، بستری است که مانع بروز این آسیب‌ها و موجب تداوم و بقای نعمات الهی می‌شود. بنابراین جامعه و تمدن برخوردار از نعمت امام، برخوردار از برکات رفاه است البته رفاهی رشد دهنده و زمینه ساز سعادت و کمال.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله، تأثیر آموزه امامت در ابعاد تمدن، بررسی شده است. به طور کلی آموزه امامت (به عنوان ممیزه مهم کلام امامیه)، بر دیگر باورها و رفتارهای افراد جامعه و همچنین بر نوع تمدن و ابعاد تمدنی، اثر گذار است. اصل «امامت» دارای ظرفیت‌های تمدنی زیر است:

۱. وحدت آفرینی

از مهم‌ترین کارکردهای امام، ایجاد وحدت و انسجام در جامعه است امام حبل و ریسمان محکم الهی است که مهره‌ها را به هم می‌پیوندد و مانند محور آسیاب، چرخش زندگی اجتماعی، حول اوست.

۲. تشکیل و گسترش امت واحده

امام چتری الهی، بر سر همه افراد جامعه است و گستره «جامعه امام محور» یا همان «امت واحده»، نژاد، قومیت و منطقه جغرافیایی را در می‌نوردد. خطاب‌های عام قرآنی، روایاتی با مضامین جهان‌شمولی و وقایع تاریخی اسلام، جهان‌شمولی جامعه آرمانی اسلامی را تأیید می‌کنند.

۳. امنیت آفرینی همه جانبه

امام به لحاظ تکوینی، امین الرحمن است و سبب امان زمین و اهلش، و به لحاظ فرآیندی، در فرآیند ایجاد اخوت و امت، ایجاد امنیت می‌کند.

۴. رشد علم و فناوری

امام خزانة و معدن علم است و مروج علم مفید در جامعه و اهل آن.

۵. رشد تعقل و عقل ورزی و حیانی

مکتب امامیه با تأکید فراوان، عقل محور و رشد دهنده آن است، همچنین امام با بودن بر بالا سر مردم، به لحاظ تکوینی عقولشان را رشد می‌دهد.

۶. عدالت محوری تعالی بخش

امام اقامه کننده حقیقی قسط است و پرکننده زمین از عدالت.

۷. معرفت افزایی و جهان بینی صحیح توحیدی

امام معرفت بخش افراد جامعه است و از طرفی معرفت امام، ملاک جاهل نمردن افراد.

۸. عبودیت سعادت بخش

بندگی های انحرافی و اشتباهی کم نیستند، اما امام، عبودیت راستین را برای مردم می‌شناساند.

۹. فضائل اخلاقی و رفتاری

امام برترین است و مردم جامعه را به برترین ها می‌خواند و می‌کشاند.

۱۰. رفاه و آسایش رشد دهنده

سیره و سخن امامان، سرشار از اهمیت تأمین رفاه برای افراد جامعه است.

چنین ظرفیت‌هایی در امامت و آموزه امامت، به تمدن و مدنیت اسلامی، افقی فرا دنیایی و گستره‌ای فراجغرافیایی می‌دهد. و در تکوین، تقویت، جهت‌دهی، رشد و تعالی همه مؤلفه‌های تمدنی، تأثیر بی‌نظیر و بی‌بدیلی می‌گذارد. در این تحقیق، تأثیر مستقیم و غیر مستقیم و چند بعدی ویژگی‌های آموزه امامت، بر تمدن نمایان شد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
آمدی، سیف‌الدین. أبکار الأفكار فی أصول الدین. ج دوم. قاهره: دارالکتب. ۱۴۲۳ق.
آصفی، محمد مهدی. السلام فی الاسلام: الولاء و البرائه و لایه الله. ج اول. تهران: فرهنگ مشرق زمین. ۱۳۸۲ ه.
ش.
ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، بیروت، دارالجمیل، ج اول، ۱۴۱۲ق.
العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه. تفسیر نورالثقلین. ج چهارم. قم: اسماعیلیان. ۱۴۱۵ ه. ق.
بحرانی، ابن میثم. قواعد المرام فی علم الکلام. ج اول. کربلا: العتبه الحسینیة المقدسه. ۱۴۳۵ق.
بحرانی، ابن میثم. النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامه. نسخه دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
بی‌تا.
بحرانی. علی بن عبدالله. منار الهدی فی النص علی امامه الائمه الاثنی عشر علیهم السلام. تحقیق عبدالزهره حسینی.
ج اول. بیروت: دارالمتنظر. ۱۴۰۵ق.
پابنده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه. ج دوم. قم: انصاریان. ۱۳۸۳ ه. ش.
پیشوایی، مهدی. سیره پیشوایان. ج ۴۴. قم: مؤسسه امام صادق (ع). ۱۳۹۸ ه. ش.
پورسیدآقای و امامی، مهدویت و رهیافت تمدنی، ج اول، نهران: دانشگاه امام صادق (ع). ۱۳۹۵ ه. ش.
توانایان فرد، حسن. تاریخ اندیشه اقتصادی. ج دوم. تهران: انتشارات مؤلف. ۱۳۹۰ ه. ش.
جمشیدی، محمد حسین. نظریه عدالت از دیدگاه ابونر فارابی، امام خمینی و شهید صدر. ج اول. تهران: پژوهشگاه
امام خمینی (ره). ۱۳۸۰ ه. ش.
جمعی از نویسندگان، کتاب دومین نشست اندیشه‌های راهبردی عدالت. ج اول. تهران: الگوی پیشرفت. ۱۳۹۰ ه.
ش.
جوادی آملی. ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت. ج دوم. قم: اسراء. ۱۳۷۹ ه. ش.
حسینی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۷ ه. ش.
حسینی میلانی، سید علی. اثبات الولاية العامة للنبي و الائمه (ع). ج اول. قم: الحقایق. ۱۳۹۶ ه. ش.
حکیمی، محمد رضا و محمد حکیمی و علی حکیمی. الحیاه. ج سوم. تهران: دلیل ما. ۱۳۹۵ ه. ش.
حمود، محمد جمیل. الفوائد البهیة فی شرح عقاید الامامیه. ج اول. قم: فقه. ۱۳۸۳ ه. ش.
خرمشاهی، بهاء‌الدین، قرآن پژوهی، تهران: نشر فرهنگی مشرق، ج اول، ۱۳۷۱ ه. ش.
خوبی، ابوالقاسم. مصباح الفقاهة فی المعاملات. ج دوم. قم: فقاها. ۱۳۹۳ ه. ش.
درخشه، جلال. آفاق تمدنی انقلاب اسلامی. ج اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). ۱۳۹۰ ه. ش.

- ربانی گلپایگانی. علی. امامت در بینش اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ه. ش.
- سبحانی، جعفر. الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل: محاضرات الاستاد الشیخ جعفر السبحانی. تقریر حسن مکی عاملی. ج ۴. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع). ۱۴۱۳ق.
- سبحانی، جعفر. علم غیب (آگاهی سوم). ج اول. تهران: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع). ۱۳۸۴ ه. ش.
- سیدباقری، سید کاظم. اصلاح الگوی مصرف از منظر سیاسی. ج اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۹۱ ه. ش.
- شیدینی، محمد. مبانی نظری عدالت اجتماعی در اسلام. قم: نشر زمزم، ج اول، ۱۳۹۰ ه. ش.
- شیخ حر عاملی، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ ه. ش.
- شیخ صدوق. کمال الدین و تمام النعمه. ج دوم. قم: مسجد مقدس جمکران. ۱۳۸۲ ه. ش.
- شیخ صدوق. الخصال. ج اول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۴۱۶ ه. ق.
- شیخ مفید. الجمل. تحقیق سید علی میر شریفی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ۱۳۷۱ ه. ش.
- صافی گلپایگانی. لطف الله. ولایت تکوینی و ولایت تشریحی. ج دوم. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیه الله صافی گلپایگانی. ۱۳۷۸ ه. ش.
- صدر، محمدباقر. اقتصاد ما. ترجمه محمد کاظم موسوی. ج اول. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی. ۱۳۵۰ ه. ش.
- صفا قمی، محمد بن حسن. بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد (ع). ج اول. قم: پیام مقدس. ۱۳۹۲ ه. ش.
- طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۷۴ ه. ش.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۸. تهران: ناصر خسرو. ۱۳۸۴ ه. ش.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، مفتاح الكنوز السنه، لاهور: اداره ترجمان السنه، ۱۹۷۸ م.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. تصحیح علامه حسن حسن زاده آملی. ج اول. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۳۰ ق.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. نهج الحق و کشف الصدق. ج اول. بیروت: دارالکتب اللبنانی. ۱۹۸۲ م.
- غفاری، غلامرضا، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، ج اول، تهران: جامعه شناسان، ۱۳۹۰ ه. ش.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين. ج دوم. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره). ۱۳۹۱ ه. ش.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. اللوامع الإلهیة فی مباحث الکلامیه. ج ۳. قم: بوستان کتاب قم. ۱۳۸۷ ه. ش.
- فیض کاشانی. المحجّه البيضاء. ج ۴. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۷ ه. ق.
- قرشی بنابی، علی اکبر. قاموس قران. ج ۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۱۲ ه. ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. ج ۴. قم: دارالتقلین. ۱۳۹۳ ه. ش.
- مؤمن قمی، محمد. الولایه الاسلامیه أو الحکومه الاسلامیه زمن حضور المعصوم و زمن الغیبه. ج اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۸۹ ه. ش.

- مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ه. ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. المسلك فی أصول الدین و تلیه الرساله الماتعیه. چ اول. تهران: مجمع بحث اسلامی ایران. ۱۳۷۴ ه. ش.
- محمدی ری شهری، محمد. عدل در جهان‌بینی توحید. چ ۳. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث. ۱۳۸۵ ه. ش.
- مرکز صهبا. ولایت و حکومت. چ اول. تهران: مؤسسه جهادی. ۱۳۹۱ ه. ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی. آموزش عقائد. چ ۱۳. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۳ ه. ش.
- مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی. چ ۱۷. تهران: صدرا. ۱۳۷۹ ه. ش.
- مظفر، محمد حسن. دلائل الصداق لنهج الحق. چ اول. قم: آل بیت (ع). ۱۳۹۴ ه. ش.
- نوری، حسین بن محمدتقی. مسترک الوسائل. چ اول. بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث. ۱۴۰۸ ه. ق.
- پوررستمی، حامد. «نظریه سرمایه اجتماعی «امامت محور» با تکیه بر آموزه های شیعه»، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۳. ۱۳۹۹.
- ربانی گلپایگانی، علی. «امامیه». کیهان اندیشه. ۱۳۷۳. شماره ۵۴. نسخه الکترونیکی.
- ربانی گلپایگانی، علی. «حکومت ولایی از دیدگاه امام علی (ع)». فصلنامه کلام اسلامی. شماره ۳۶. زمستان ۱۳۷۹. ص ۴۷-۶۹.
- ربانی گلپایگانی، علی. «نقش فاعلی امام در نظام آفرینش». نشریه انتظار موعود. شماره ۲۹. تابستان ۱۳۸۸. ص ۷-۳۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی، انسان، راه و راهنماشناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ اول. ۱۳۸۴ ه. ش.
- شاکری، صدیقه، گذری بر عوامل شکوفایی عقل در قرآن و روایات»، نامه جامعه، ۱۳۸۴، شماره ۱۲.
- هدایتی، محمدرضا و احمدوند، علی محمد و حاتمی، حمید رضا، «جایگاه علم و فناوری در قدرت جهان اسلام با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، شماره ۱۸، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵-۱۶۵.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، بیروت: دارالفکر، چ اول. بی تا.
- برزنونی، محمدعلی. «امنیت جامعه محور با نگاهی به متون دینی در این باره» نشریه توسعه انسانی پلیس، سال دوم، شماره ۵، ص ۵۰ تا ۹۴. ۱۳۸۴ ه. ش.
- احمد الصیاد، عبدالعاطی و دیگران، الأمن السياحی، ریاض: جامعه نایف العربیه للعلوم الأئمنیه، چ اول. ۲۰۰۴ م.
- باوان، مسعود و نرگس لرسستانی، سودابه جعفری، «امنیت، چیستی، انواع و تأثیر آن بر جامعه با نگاهی به آیات قرآن کریم»، دانش‌نامه علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۹۵ ه. ش.
- حموی جونی، ابراهیم بن سعد الدین، فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهم علیم السلام، بیروت: مؤسسه المحمود، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.